

روزنه

قاضی نخستین پرونده جرم سیاسی تعیین شد

● **شرق:** قاضی نخستین پرونده جرم سیاسی که طبق قانون جدید جرم سیاسی تشکیل شده، تعیین شد. به گزارش «تسنیم»، نخستین پرونده جرم سیاسی به اتهامات «عبسی سحرخیز» اختصاص دارد که پیش‌تر در دادگاه کارکنان دولت مطرح شد اما شعبه ۱۰۵۷ دادگاه با توجه به ابلاغ قانون جرم سیاسی، رسیدگی به این پرونده را طبق قانون جدید جرم سیاسی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری استان دانست. اتهام سحرخیز در این پرونده، توهین به رئیس قوه‌قضائیه و توهین به رئیس جمهور سابق است که برای رسیدگی به شعبه اول دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی افتخاری ارجاع شده است. قاضی افتخاری، سرپرست دادگاه‌های کیفری یک استان تهران هم هست. پرونده یادشده با حضور هیأت‌منصفه که همان اعضای هیات‌منصفه مطبوعات استان تهران هستند، رسیدگی می‌شود اما هنوز تاریخ برگزاری دادگاه مشخص نشده است. سحرخیز علاوه بر این پرونده، پرونده‌های دیگری هم دارد که در یکی از این پرونده‌ها، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به سه سال حبس محکوم شده است. پرونده دیگر نیز به اتهام نشر اکاذیب در شعبه ۱۰۵۸ دادگاه کارکنان دولت در حال رسیدگی است اما هنوز رأی صادر نشده است. پیش از این و در تاریخ ۳۰ تیر ۹۵، محمود علیزاده‌طباطبایی، وکیل مدافع سحرخیز در گفت‌وگو با «جماران» گفته بود: «رسیدگی به پرونده آقای سحرخیز به اتهام توهین به رئیس قوه قضائیه اولین دادگاه جرائم سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است که با حضور هیأت‌منصفه برگزار می‌شود. وقتی به قاضی پرونده گفتیم که این اتهام جرم سیاسی محسوب می‌شود، قاضی در ابتدا اطلاعی دراین‌باره نداشت اما وقتی به قانون مراجعه کرد این موضوع را پذیرفت و دراین خصوص به دادگاه کیفری استان صلاحیت داد که با حضور هیأت‌منصفه برگزار شود». سحرخیز متهم اولین دادگاه جرائم سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است که با حضور هیأت‌منصفه برگزار می‌شود. عبسی سحرخیز متولد ۱۰ بهمن ۱۳۳۲ در آبادان، از چهره‌های فعال سیاسی و مطبوعاتی در ایران است که در دوره اصلاحات مدتی مدیرکل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. او از بنیان‌گذاران انجمن دفاع از آزادی مطبوعات ایران است که در سال ۱۳۷۸ از سمت مدیرکلی مطبوعات داخلی وزارت ارشاد استعفا داد. سحرخیز در سال ۱۳۸۲ محاکمه و به یک سال محرومیت از اشتغال در مناصب دولتی محکوم شد. او همچنین مدیرمسئول روزنامه توقیف‌شده «اخبار اقتصادی» و ماهنامه توقیف‌شده «قآطب» بوده است. پس از انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۸، سحرخیز در روز ۱۲ تیر ۸۸ بازداشت و پس از دو محاکمه مجوعه به پنج سال حبس محکوم شد.

دادگاه جرم سیاسی باید علنی باشد

با رجوع به قوانین اساسی و کیفری، درمی‌یابیم قانون‌گذار تمام تلاش خود را کرده تا دادگاه‌هایی که با موضوع جرم سیاسی تشکیل می‌شوند، علنی برگزار شوند. ماده ۴ قانون جرم سیاسی که در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ به تصویب مجلس نهم رسید می‌گوید: «نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت‌منصفه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱/۲۴ است». قانون‌گذار در ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ می‌گوید: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۲۵۲) این قانون به طور «علنی» در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت‌منصفه رسیدگی می‌شود». در ماده ۲۵۲ قانون‌گذار تصریح می‌کند: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل‌گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی‌بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف- امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب- علنی‌بودن، خلاف امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد. تبصره - منظور از علنی‌بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است». براساس آنچه در قانون مشخص شده، قانون‌گذار اصل را بر «علنی»بودن محاکمات گذاشته مگر در مواردی استثنا. این معنات که روح حاکم بر قانون خواستار «علنی»بودن محاکمات سیاسی است. به جرم سیاسی در اصل ۱۶۸ قانون اساسی نیز اشاره شده است. مطابق این اصل، «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت‌منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد».

ازسوی‌دیگر اصل ۱۶۵ قانون اساسی تأکید می‌کند: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی‌بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کند که محاکمه علنی نباشد».

politics@sharghdaily.ir

حجت‌الاسلام «علی یونسی»، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌ها، در گفت‌وگویی با «فارس» به سؤال‌های مختلفی درباره سیاست‌های دولت پاسخ داد، اهم گفته‌های «یونسی» در ادامه می‌آید.

«امنیت ملی جزء منافع ملی است، منافع ملی تنها در چارچوب مرزها تعریف و خلاصه نمی‌شود، بلکه به منافع ملی در ارتباط با کشورهای پیرامونی نیز باید توجه شود.

«می‌توانیم با هر کشوری که در مقابله با تروریست صادق باشد، همکاری کنیم، به این دلیل است که همکاری با روسیه برای مقابله با تروریسم را لازم دانسته‌ایم و روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. «همکاری نظامی را که برای مقابله با تهدید تروریسم انجام می‌شود، مهم، استراتژیک و لازم می‌دانم. با وجود آنکه عده‌ای به این حرکت اعتراض داشته و عده‌ای هم آن را توجیه کردند، من مدافع سرسخت این همکاری هستم و اطمینان دارم، حرکتی درست و صحیح بوده است. همکاری نظامی و امنیتی با یک قدرت بزرگ جهانی، برای مقابله با تهدید و تأمین امنیت ملی و منطقه‌ای و منافع مشترک و امنیت مشترک و مقابله با آنها علیه دشمن مشترک، اقدامی عقلایی است و نباید ترسی از همکاری با یک ابرقدرت داشت. «احساس ترس از نزدیک‌شدن به روسیه، به گذشته تاریخی بازمی‌گردد؛ یعنی ترسی تاریخی است، معنای آن این است که ما در گذشته و در مقطعی از تاریخ سیاسی ایران، لطماتی خورده‌ایم و این حوادث به گذشته بازمی‌گردد.

«اگر چنانچه در مقطعی هوایم‌های روسیه با هدف مقابله با تهدید داعش، در یکی از پایگاه‌های نظامی ما سوخت‌گیری کردند، نباید به‌عنوان یک نقطه ضعف دیده شود، بلکه باید نقطه قوت، تلقی شود. ما باید بتوانیم با همه کشورهای قدرتمندی که با ما همسو هستند، در چارچوب قانون اساسی و منافع و امنیت ملی، مانور دریایی، هوایی، زمینی و همکاری نظامی داشته باشیم و پیمان نظامی ببندیم.

«اولویت اصلی دولت حل مسئله و خصومت هسته‌ای و برقراری برجام بود و البته در جای خود،

ادامه از صفحه ۶

در هیات نظارت استانی وقتی فردی تأیید می‌شود

رو

مرکزی و شورای نگهبان بیشتر تأیید دارند. غالباً آنهایی که رد شدند به هیات مرکزی شکایت می‌کنند، آنهایی که تأیید شدند، شکایت نمی‌کنند. آنجا تجدیدنظر می‌شود و غالباً همه تأیید می‌شوند. دوباره تعدادی از اینهایی که از رأی هیات مرکزی شکایت می‌کنند، به شورای نگهبان می‌آیند. در بحث انتخابات مجلس در دو مرحله هم ارجاع داده می‌شود. یک مرحله قدیم بود و یک مرحله مجدداً اضافه شد. خود شورای نگهبان باز فرصت رسیدگی دارد همه این مراحل در قانون موجود است.

تقداری که همواره به شورای نگهبان وارد است، این است که گاهی سیاسی عمل کرده برای این مثال، شخص مثل آقای مصطفی معین، که وزیر بوده و مدتی هم نماینده بوده است و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ هم رأی قابل‌توجهی را کسب کرد، چه اتفاقی می‌افتد که ایشان رد صلاحیت می‌شوند، اما خیلی از افراد عادی تأیید صلاحیت می‌شوند این سؤال برای افکار عمومی همواره مطرح بوده است و احتمالاً این سؤال‌شان بی‌جواب مانده است که چرا شخصی مانند دکتر معین رد صلاحیت شده است.

این دلیل نمی‌شود اگر من شناخته‌شده هستم همه رفتارم منطبق با قانون باشد. چنین انتظاری را ما در مسائل عقلانی نداریم. شما ابتدا باید قانون را ببینید اگر برای این مثال، من عضو شورای نگهبان هستم هیچ‌وقت نمی‌توانم مرتکب تخلفی باشم؟ پس اگر فردی وزیر بوده و زمانی مسئولیتی داشته است، آیا نمی‌تواند رفتارش مغایر با قانون اساسی باشد؟ می‌گویم این امکان دارد. شما مسلمانان مطالبی که درباره افراد است را سؤال می‌کنید که چون نمی‌توانیم اینها را منعکس کنیم و بگوییم فلان شخص چرا رد صلاحیت شده است، به خود فرد اگر مراجعه کنیم، می‌توانیم بگوییم و همه مدارک و اسناد را هم به او نشان دهیم. ولی نمی‌توانیم اعلان عمومی داشته باشیم. احتمالاً مواردی را داشته است که منطبق با بندهای ۲۱، ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بوده است. حتماً فردناری در آن نامه‌ای که به فرد نوشته، آورده است به دلایل کدام‌یک از بندها، صلاحیت شما تأیید نشده است. ما به همه افرادی که صلاحیت آنها تأیید نمی‌شود، اعلام می‌کنیم مثلاً به استناد بند یک از ماده ۲۸، بند پنج از ماده ۲۹ در صلاحیت شده‌اید.

ک چگونه می‌شود مردم را قانع کرد که فلان شخص مثلاً همین آقای دکتر معین به دلیل عدم التزام عملی به اسلام، رد صلاحیت شده است؟ حالا اینکه به خاطر کدام‌یک از این بندها بوده است، باید بندها طبق قانون آورده شود. شورای نگهبان مرجع قانونی است به خود فرد مستندات اعلام می‌شود، ولی به مردم گفته نمی‌شود.

ک در موارد کلی مثل عدم التزام عملی به اسلام که بند خاصی وجود ندارد، چطور؟

این فرد حتماً عملکردی مغایر با قانون اساسی یا موازین اسلامی داشته است. تنها چیزی که ما داریم این است. زمانی شما می‌گویید قانون ناقص است من هم با شما موافق هستم و باید آن را اصلاح کنیم. اینجا اگر شما ایرادی را وارد می‌دانید باید بگویید کار شورای نگهبان درست است و قانون اشکال دارد این درواقع وظیفه شمامست.

ک شما گفته بودید افرادی که دریافت‌های بالا داشته‌اند و حقوق بالا دریافت کردند، ممکن است درصورتی‌که بخواهند نماینده مجلس شوند در بحث رد یا صلاحیت‌ها این مسئله آنها مورد توجه قرار گیرد و رسیدگی شود. آیا براساس مستند پرونده قضایی‌ای که برای این افراد تشکیل می‌شود یا نه، خود دریافت این حقوق‌ها از نگاه شورای نگهبان خلاف بوده است؟ این سؤال را از این جهت پرسیدم که در ماجرای پرداخت پول به نامزد‌های متقاضی ورود به مجلس، در ماجرای آقای رحیمی گفته شد صرفاً در صورتی که برای آنها پرونده قضائی تشکیل شود و قانون آن را خلاف تشخیص دهد، شورای نگهبان به این ماجرا ورود می‌کند.

اگر خلاف قانون اعلام کرد که این‌گونه اقدامات تخلف و جرم محسوب شود، قطعاً شورای نگهبان در بحث صلاحیت‌ها آن را

کار بسیار بزرگی، از جهات گوناگون اقتصادی، فرهنگی، نظامی و امنیتی بود. مهم‌ترین اثر برجام دفع خطرات احتمالی جنگ بود که سایه شوم جنگ را از سر کشور برداشت، چراکه تندرهای آمریکایی‌که زیر نفوذ اسرائیل عمل می‌کنند و رقباي منطقه‌ا ما مانند سعودی‌به دنبال این بودند که به بهانه مسئله هسته‌ای، شرایط را آن‌قدر برای ما تنگ و به‌زیرنه کنند تا بهانه‌ای برای حمله به ایران فراهم شود.

دولت باید از همه اهرم‌های

ملی، مردمی، قومی و مذهبی برای تنش‌زدایی با کشورهای همسایه استفاده کند؛ اهل سنت ایران می‌توانند در اینجا به تنش‌زدایی با کشورهای همسایه کمک کنند، ما اهل سنت را برای برقراری امنیت بیشتر، یک فرصت می‌دانیم، آنها می‌توانند در تأمین خواسته‌های اقلیت شیعه که در عربستان هستند، تلاش کنند؛ حتی می‌توانند در لابی‌ سیاسی با حکومت سعودی مؤثر باشند. باید از این اهرم‌ها استفاده شود و شاید در این جهت و استفاده از این ظرفیت، کمی کندکاری شده

و از آن غافل بوده‌ایم؛ اما از طرفی متأسفانه، گروه‌های افراطی‌ی داخلی با اقدامات نسنجیده و هیجانی، این فرصت را از دولت برای کسب موفقیت‌های بیشتر دیپلماتیک و تنش‌زدایی با جهان، سلب کردند. حمله به سفارت عربستان با هیچ معیار منطقی و سیاسی توجیه نمی‌شود، آن اتفاق توانست فرصت‌های بعدی را از دولت بگیرد و بهانه به دست حاکمان سعودی که در موضع ضعف بودند، بدهد تا دست به مظلوم‌نمایی در مجامع جهانی بزنند و با تبلیغات، آثار مثبت توافق ایران و شش کشور بزرگ دنیا را کاهش دهند؛ حمله به سفارت عربستان راه تنش‌زدایی را طولانی کرد.

«آقای روحانی در همان ابتدای کار گفتند انکیزه و هدف اصلی دولت تدبیر و امید از مذاکرات این بوده که ضمن رفع تنش‌خ‌ها و اختلاف ایران با برخی قدرت‌ها و

سیاست

علی یونسی، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری:

برخی دنبال این هستند که صندوق رأی زیاد تعیین‌کننده نباشد

حفظ حقوق قانونی، هم چرخ اقتصاد مردم بچرخد و هم چرخ سانتریفیوژها. «مسیری که در گذشته می‌رفتیم قطعاً به بن‌بست و به تعطیلی مطلق کشور می‌رسید؛ اما تلاش‌های دولت کنونی در مسیر حل مشکلات، بازکردن گره‌ها و هموارکردن راه برای توسعه و رونق اقتصادی و چرخیدن چرخ دوباره کارخانه‌ها و فعالیت دوباره آنان است.

«ما می‌گوییم تحریمی که ۱۲ سال بر اقتصاد و امنیت کشور سایه افکنده بود، شش ماه و یک سال برای خروج از آن شرایط به‌ویژه با کارشکنی‌هایی که بعضی دولت‌ها انجام می‌دهند، کافی نیست.

«برخلاف تمامی این فشارها، آمار و ارقام در حوزه اقتصاد، نشان می‌دهد چرخ اقتصاد، با کمی کندی می‌چرخد؛ اما در حال چرخش است و ان‌شاءالله آثار مثبت آن را مردم به‌زودی و در یک فرجه زمانی منطقی احساس خواهند کرد.

«در گذشته نه‌چندان دور، در مقطعی وزارت اطلاعات خبر داد سیلوهای ما فقط برای مدت کوتاهی گندم دارند؛ بنابراین مجبور شدند گندم را با هوایما وارد کنند. این خطر واقعیت بوده‌است و به مردم گفته نمی‌شد تا نگرانی ایجاد نشود؛ اما درحال‌حاضر با تلاش این دولت و در سایه گفت‌وگوهای بین‌المللی و رفع اختلاف‌های جهانی، نباید نگران مشکلاتی از این دست باشیم. «اینکه ما نان‌یمان را از خارج بخریم، باید بداییم اگر تحریم و محاصره شدیم، باید تن به هر کاری و ذلت بداییم؛ اما امروز شما می‌بینید ما دیگر احتیاجی به خرید گندم نداریم، این یعنی چرخ اقتصاد حرکت کرده است و قطعاً سال‌های دیگر بهتر خواهد بود. «ممکن است دعواهای سیاسی هم داشته باشیم؛ اما در بزنگاه‌های اصلی این مردم هستند که تصمیمات اصلی را می‌گیرند. من براساس همین اعتقاد و استدلال،

به نتیجه انتخابات ۹۲ مطمئن بودم؛ نتیجه‌ای که با وجود فشار سلیقه‌ای‌که زیاد معتقد به این نیستند که تحولات کشور ناشی از رأی و تصمیم مردم و روند مدیریت با رأی آنان است. البته مطمئن هستم مقام معظم رهبری نیز نظرشان بر اهمیت رأی مردم و برتری آن بر سایر نظرات و سلاقی است.

«رهبری مکرر اعلام کردند جمهوری اسلامی تکیه بر آرای مردم دارد. در انتخابات ۹۴ مجلس اگرچه برخی‌ها تمایلات دیگری داشتند و مایل به برگزاری انتخاباتی پرشور هم نبودند، ردصلاحیت‌گسترده‌ای هم صورت گرفت ولی آنچه اتفاق افتاد مطابق با میل آنان نبود. عده‌ای می‌خواستند مجلس جور دیگری باشد اما تصمیم مردم چیز دیگری بود.

«برخی جریانات سیاسی به دنبال این هستند که نتیجه انتخابات باب میل آنان باشد و صندوق‌های رأی هم زیاد تعیین‌کننده نباشد. به‌تعبیری، عده‌ای بیشتر بازی دموکراسی را می‌پسندند و نه انتخابات را. در جلسات خودشان هم می‌گویند که دموکراسی یک بازی است و آن را نمایشی تلقی می‌کنند؛ ولی مردم‌سالاری اعتقادی است که امام و رهبری بر آن تأکید داشته و دارند. درست است به دلیل فقیه‌بودنشان مشروعیت‌شان الهی است اما اگر مردم انتخاب‌شان نکرده بودند، برای خودشان این مقبولیت را قائل نبودند. مگر امام نفرمودند که چون مردم من را انتخاب کردند، من دولت تعیین می‌کنم.

«ممکن است برخی روحانیون و بعضی گروه‌های سیاسی، این را نپسندند اما این یک خرده‌فرهنگ و سلیقه خاص یک گروه است، نظام جمهوری اسلامی برآمده از آرای مردمی است. انتخابات اسدنامه گذشته و سال ۹۲ هم تأکیدی بر این واقعیت و حقیقت، با حضور پر شور مردم بود.

«مصلحت‌کشور، منافع ملی و حیات سیاسی اصلاح‌طلبان، در حمایت از روحانی است و بی‌تدبید مصلحت هیچ‌کس در عبور از روحانی نیست. اصلاح‌طلبان به همان دلیلی که در سال ۹۲ آمدند و از نامزدی روحانی حمایت کردند حال هم باید بایبند و حمایت کنند و قاعداً چاره‌ای جز این ندارند. برای اینکه هیچ گزینه‌ای برای این شرایط به غیر از شخصیت معتدل و بصیری مانند آقای روحانی وجود ندارند.

ک شما مدافع تغییر نظام انتخاباتی فعلی به نظام حزبی هستید. فکر می‌کنید حزب چه گره‌هایی از نظام انتخاباتی فعلی را می‌کشد؟ چرا که در نهایت باز هم افراد ثبت‌نام می‌کنند و باز هم صلاحیت آنها بررسی می‌شود.

مقدمه‌ای دارد. اولاً اینکه ما بتوانیم فرهنگ نهاده‌های حزبی را در جامعه نهادینه کنیم که بخش عمده آن بر عهده شما رسانه‌هاست. بخش دیگر اینکه اگر احزاب بتوانند در انتخابات فعال شوند، در مجلس و در دولت سهم مشخصی برای آنها در نظر بگیریم. مثلاً اگر حزب اکثریت رأی آورد، بتواند در هیأت‌رئیس‌ه یا در فراکسیون‌های خاصی سهمی داشته باشد و مهم‌تر از همه اینکه قانون نیاز دارد. قانونی که در حال‌حاضر ما داریم، صرفاً ناظر بر فعالیت احزاب است. اما در بحث انتخابات از احزاب چیزی یاد نشده است. اگر سهمیه در نظر گرفته و فرهنگ‌سازی شود، ما می‌توانیم در انتخابات آینده این‌گونه پیش‌بینی کنیم که مسئولیت صلاحیت افراد بر عهده احزاب باشد. به جای اینکه شورای نگهبان ۱۲ هزار نفر را بررسی کند، ۱۰ حزب را بررسی کند. ما صلاحیت احزاب را بررسی کنیم نه افراد. رأی این امر نیازمند قانون است. طبیعی است که با وضعیت فعلی امکان‌پذیر نیست. قانون فرهنگ آن سهمیه باید حتماً لحاظ شود که ما بتوانیم فعالیت حزب داشته باشیم. این پیشنهاد من است؛ می‌توانیم قانون را به شکلی پیش‌بینی کنیم و در نظر بگیریم که به جای صلاحیت افسر، صلاحیت احزاب را بررسی کنیم. اگر صلاحیت احزاب بررسی شوند، مطمئن باشند که مثلاً افرادی که معرفی می‌شوند، افراد سالمی هستند، براساس شرایط قانونی آمدند و این مشکلاتی که الان به وجود آمده است، بخش زیادی از آن حل می‌شود. یک بررسی افراد آن زمان حذف می‌شود. البته من نسبت به این موضوع با انصاف صحبتی نداشته‌ام و این درواقع حاصل کارهای علمی ما در دانشگاه است.

ک شما با اکثر رسانه‌ها کم‌وبیش در این مورد صحبت کرده‌اید، آیا بقیه اعضا واکنشی نشان داده‌اند؟

نه، جایی صحبتی نکرده‌اند. این مطلب جدیدی نبوده است و من در دوره قبل هم که در انتخابات شورای نگهبان حضور داشتم، باز مطرح کردم که قانون انتخاباتی باید اصلاح شود. مطلب جدیدی نبوده است و الان‌بار هم از سوی خود بنده مطرح شد. درحال‌حاضر الان هم حاضر هستیم کمک علمی و کارشناسی برای اینکه یک قانون جامعی تدوین شود بدییم تا خیلی از مشکلاتی که الان مطرح می‌شود، رفع شوند.

ک با ملاک‌هایی که شورای نگهبان برای بررسی دارد، فکر می‌کنید اگر انتخابات حزبی شود، امکان ورود افراد به مجلس راحت‌تر می‌شود یا سخت‌تر؟

به سهل یا آسانی آن نباید کاری داشته باشیم. ما باید مکانیسمی را تعریف کنیم که افراد شایسته‌ای به مجلس و دولت راه پیدا کنند. مهم‌ترین بحث ما این بود. الان خود شما از نمایندگان مجلس سؤال کنید چقدر راضی هستند که وارد مجلس شده‌اند. طبیعتاً خیلی از آنها ممکن است رضایت نداشته باشند یا به‌هرحال انتقاد‌هایی به عملکردها داشته باشند. فرد اگر در چارچوب فعالیت‌های حزبی وارد شود، منسجم‌تر می‌شود و می‌تواند بازدهی بیشتری داشته باشد و خیلی از این سرورصداها هم خاتمه می‌یابد. الان قضیه فقط قانون است و اگر قانون اصلاح شود، قضیه حل می‌شود.

ک در این صورت ممکن است برخی از احزاب هیچ‌وقت نتوانند وارد گردونه انتخابات شوند چون باید از یک فیلتر عبور کنند.

بله، احزابی که می‌خواهند برخلاف منافع ملی حرکت کنند، قطعاً در هیچ جایی تأیید نمی‌شوند و مردم هم آنها را قبول ندارند، ولی احزابی که به‌دنبال تأمین منافع ملی هستند را هم مردم می‌پذیرند و هم مراجع قانونی. باید ابتدا ببینیم قانون به چه شکل اصلاح می‌شود. مهم‌ترین بخش، قانون است که این اجازه را به نهاده‌های درگیر انتخابات بدهد که ان‌شاءالله یک نظام انتخاباتی جامعی داشته باشیم و افراد شایسته و درخور نشان و نظام جمهوری اسلامی ایران که بتوانند منافع ملی را هم بپیکری کنند، وارد مجلس شوند.

دریچه

غروی:

آیت‌الله مهدوی کنی، جلیلی رادر حد ریاست جمهوری نمی‌دانست



● **حجت‌الاسلام غروی، استاد حوزه و دانشگاه،** گفته است که مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی بیشتر به قالیباف و ولایتی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ اعتقاد داشت و معتقد به این بود که سعید جلیلی در حد ریاست‌جمهوری نیست، به گزارش انتخاب، او گفته است: «هنوز ما برآورد کاملی از شخصیت این آقا [جلیلی] نداریم، نه‌تنها من، بلکه خیلی از افراد چنین برداشتی دارند. بنابر گفته بعضی از بزرگان، ایشان در حدی نیست که بتوانند مدیریت کلان را در سطح کشور داشته باشد و مدیریت کند، با اینکه آقای سعید جلیلی از دانش‌آموختگان دانشگاه امام‌صادق(ع) است، ولی مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی اصلاً معتقد نبود که آقای جلیلی می‌تواند مدیریت در سطح کلان در ریاست‌جمهوری را عهده‌دار شود، بنابراین همان‌موقع جامعه روحانیت مبارز نظرش معطوف به آقای جلیلی نبود. آقای جلیلی را پایداری‌ها علم و مطرح کردند، ولی روحانیت مبارز که در رأس آن مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی بود، نظرش بیشتر معطوف به آقای قالیباف و آقای ولایتی بود»، اما آن‌طور که از اخبار برمی‌آید به نظر می‌رسد نظر آیت‌الله مهدوی‌کنی نه ولایتی‌که فقط قالیباف بوده است تا جایی که ایشان سه روز قبل از ایام انتخابات، نامه‌ای به علی‌اکبر ولایتی، یکی از اعضای ائتلاف موسوم به سه‌گانه اصولگرایان، نوشته و به صورت ضمنی خواستار انصراف او از کاندیداتوری انتخابات ریاست‌جمهوری شده بود. به گزارش عصرایران، در ایام انتخابات، زمره‌هایی مبنی‌بر درخواست آیت‌الله مهدوی‌کنی از ولایتی برای انصراف از انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح و گفته می‌شد ولایتی برای پاسخ‌دادن به این درخواست‌ها، موبایل خود را خاموش کرده است. حجت‌الاسلام میر‌لوحی، مسئول دفتر آیت‌الله مهدوی‌کنی، هم در این باره گفته است: «آیت‌الله برای اینکه نظر خاتمه‌دهنده را ارائه بدهند، چندبار تماس گرفته بودند و به‌ناچار نامه هم نوشتند، اما آقای ولایتی توصیه‌ها را نپذیرفتند. من حتی خود هم صحبت کردم، اما آقایان قطع کردند و بعد به پیغام‌ها و تماس‌های ما هم جواب ندادند، اما اینکه چه‌چیزی باعث شد ایشان امتناع کنند باید خودشان پاسخ بدهند. حالا اطرافیان یا مشاوران تأثیر داشتند، من اطلاعی ندارم.»

خبر

برخورد اطلاعات سپاه با تعدادی از مدیران شبکه‌های اجتماعی کردستان

● **ایسنا:** روابطعمومی سپاه بیت‌المقدس استان کردستان از برخورد با تعدادی از مدیران شبکه‌های اجتماعی در سطح استان کردستان از سوی سربازان گمنام سازمان اطلاعات این سپاه خبر داد. در این اطلاعیه آمده: «نظر به رسد سایبر سربازان گمنام سازمان اطلاعات ریه کردستان بر روی شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام که بیشترین درصد اینستاگرام در اختیار آتلیه‌ها و آرایشگاه‌های زنانه و مدلیتک‌ها است که عکس‌های موجود در این پیج‌ها اکثریت دنبال‌کننده‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، این حجم زیاد ضمن تأثیرپذیری، با ایجاد و القای مسائل غیراخلاقی و غیردینی باعث افشای بی‌بندوباری و سستی بنیان خانواده می‌شود. در پی غفلت دستگاه‌های فرهنگی و ناگاهی صوف و اتحادیه؛ عکاسان، آرایشگران، مزون و طراحی لباس به مکان ترویج فساد و فحشا تبدیل شده و به تولید و انتشار تصاویر مبتذل و غیراخلاقی از افراد و خانواده‌ها در فضای مجازی مبادرت می‌کردند. این فعالیت‌های مجرمانه با برنامه‌ریزی دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی و در راستای گسترش بی‌حجابی، ولنگاری فرهنگی، ارتباطات غیراخلاقی و هدف اصلی آن نیز واردآوردن ضربات مؤهلک به بنیان خانواده‌های ایرانی- اسلامی است. این افراد در دام عناصر بیگانه و پروژه نفوذ فرهنگی گرفتار شده بودند و با اقدامات اطلاعاتی و رصد فعالیت‌های این افراد در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام بیش از ۵۰ نفر که در حوزه مدلیتک، آرایشگاه زنانه، آتلیه و خالکوبی فعال بودند، در سطح استان شناسایی و با آنان برخورد شد. در ضمن این اقدام در پی افزایش سطح مطالبات عمومی جامعه برای برخورد با مجرمان فضای مجازی و با هدف حمایت از کیان خانواده و جامعه اسلامی صورت گرفته است.»